

سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما

تدوین: سید قاسم منفرد

پژوهنده محققان راهبردی

سرشناسه:	واعظی، محمود، ۱۳۳۱-
عنوان و نام پدیدآور:	سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما/ تدوین: محمود واعظی، سید قاسم منفرد؛ (به سفارش) پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
مشخصات نشر:	تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۲۳۱ ص، جدول.
شابک:	۷۰۰۰ ریال؛ 978-600-290-054-8
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	اوباما، باراک، ۱۹۶۱ - م.
موضوع:	Obama, Barack
موضوع:	ایالات متحده - روابط خارجی - ۲۰۰۹ م.
موضوع:	ایالات متحده - سیاست و حکومت - ۲۰۰۹ م.
شناسه داده:	منفرد، قاسم، گردآورنده
شناسه گروه:	مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
شناسه افزودن:	مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات راهبردی
کد ملی:	۱۳۹۲ ۹۰۸۳/۲۹ E
رده‌بندی:	۳۰۵/۸۰۰۹۱
شماره کد کتابخانه:	۳۳۳۵۱۳

سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما

تدوین: سید قاسم منفرد
گروه پژوهشی سیاست خارجی پژوهشکده تحقیقات راهبردی

چاپ و صحافی: مرکز تحقیقات استراتژیک

ویراستار: حسن میرزایی

صفحه‌آرایی: سارا مامیگی

حروف‌نگاری: افسانه محمودی

گرافیک و ناظر چاپ: مصطفی اعلائی حیدری

نوبت انتشار: نخست، ۱۳۹۲

شابک: 978-600-290-054-8

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ ریال

تهران، انتهای خیابان پاسداران، ضلع جنوبی بوستان نیاوران، شماره ۸۰۲، تلفن: ۸۰۰۰۱۲۵-۸۰۰۰۱۲۵
مرکز پخش: خیابان انقلاب اسلامی، رویه‌روی در اصلی دانشگاه تهران، مجتمع تجاری اداری پارس، طبقه اول، واحد ۴۱۲، تلفن: ۶۶۴۷۷۶۲۵، ۶۶۴۷۷۶۲۴

فهرست مطالب

سر آغاز ۷

آینده پژوهی سیاست خاورمیانه‌ای امریکا در دهه ۲۰۱۰ ۱۵
دکتر ااهیم متقی

یک‌کرد دولت اوپاما به جهان اسلام: تغییر یا تداوم ۴۱
دکتر محمد اعظمی

باراک اوباما و ساز و قدرت مدیریت امریکا در قرن ۲۱: پوپولیسم و ماکیاولیسم-گفتار
نرم و چماق ۸۷
دکتر حسن حسینی

روابط امریکا با کشورهای اسلامی: دولت اوباما ۱۱۷
علی باقری دولت‌آبادی

رویکرد امریکا به مناقشه اسرائیلی - فلسطینی و چشم‌انداز پیش‌رو ۱۴۹
حسن احمدیان

سطوح تعامل امریکا با قدرت‌های آسیایی در دوران اوباما ۱۸۳
مجتبی یاور، سیدقاسم منفرد

ارزیابی روابط میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا ۲۰۹
دکتر پیروز ایزدی

در پی یک دوران تنش آلود در سیاست خارجی امریکا، باراک اوباما با شعار «بازگشت به عرصه رقابت انتخابات ریاست جمهوری امریکا» طی حدود ۷ سال، امریکا درگیر دو جنگ تمام عیار نظامی در افغانستان و عراق شد و علاوه بر چالش‌های مزمنی که در اثر این دو مداخله نظامی دچار آن شد، هم‌زمان در بن‌بست سیاسی در ارتباط با طرح صلح اعراب و اسرائیل و همچنین در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران به سر می‌برد. موضوع روابط با ایران شدیدی‌ترین مباحث سیاست خارجی امریکا باشد که ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی یافته است. در شرایط مزبور، اوباما تغییر جهت‌های مهمی را در سیاست خارجی امریکا به‌ویژه در ارتباط با ایران نوید داد. وی در جریان مبارزات انتخاباتی خود از شروع گفتگو با ایران سخن گفت و راه‌حلی را در میان خروج نیروهای امریکا از افغانستان و عراق ارائه نمود. با گذشت چهار سال از اولین دوره ریاست جمهوری اوباما* و آغاز دور دوم ریاست جمهوری وی، نگرانی برای مطالعه و بررسی آثار و پیامدهای سیاست خارجی اوباما در این دوران و میزان موفقیت و یا شکست‌های وی در اجرای سیاست‌های اعلام شده، ضرورتی به تشخیص روندهای آتی در سیاست خارجی امریکا در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما کمک نماید. لذا در این مجموعه نگاهی به سیاست خارجی

* مجموعه حاضر با توجه به تحولات سیاست خارجی امریکا طی دوره چهار سال نخست و اوایل دور دوم ریاست جمهوری باراک اوباما و چشم انداز پیش روی این کشور تهیه شده است.

امریکا در این مقطع زمانی خواهد داشت.

در خصوص خاورمیانه، در ابتدا دولت اوباما با چهار چالش محوری دست به گریبان بود. جنگ افغانستان، جنگ عراق، موضوع نحوه مواجهه با جمهوری اسلامی ایران و مسئله صلح فلسطین و اسرائیل. در خصوص جنگ عراق، دولت اوباما تلاش زیادی انجام داد تا با تغییر استراتژی امریکا در آن کشور و از طریق تغییر حضور نظامی به حضور سیاسی، کارآمدی و بربخشی سیاست خارجی امریکا را در راستای مدیریت صحنه سیاسی در عراق ارتقاء بخشد. موضوع بعدی، جنگ افغانستان و نوع برخورد با پاکستان بود. هدف اصلی برنامه دولت اوباما نابودی پناهگاه‌های القاعده در افغانستان و شبیه‌سازی حاشیای آنها و همچنین ممانعت از ایجاد مخفیگاه‌های تازه به‌ویژه در مناطق مرزی پاکستان بود؛ لذا این کشور در راهبرد جدید امریکا از اهمیت بالایی برخوردار شد. چرا که دولت اوباما مدعی بود که برخی از لایه‌های ارتش پاکستان با القاعده در ارتباط هستند و تردیدهایی را در خصوص تعهد دولت پاکستان، مقابله جدی با تروریسم مطرح ساخت. با کشته شدن اسامه بن لادن، فضایی برای چشم‌اندازی برای سامان دادن به آینده جنگ افغانستان مهیا شد. از آنرو اوباما با ارائه طرحی چند مرحله‌ای از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان خبر داد. در مقابل، بر لزوم توجه به مسائل داخلی امریکا تاکید نمود.

در همین راستا در بازنگری راهبرد نظامی امریکا در سال ۲۰۱۰، آمده است که درگیر شدن امریکا در چندجبهه، دیگر در حوزة امکانات این کشور نبوده و چنین رویکردی، هم آسیب‌پذیری امریکا را افزایش دهد و هم از آمادگی آن برای مقابله با فجایع طبیعی و انسانی، چه در خود امریکا، چه در نقاط مختلف جهان، می‌کاهد. همچنین تاکید شده است امنیت، ثبات، و برای برتری نظامی باید از طریق توجه به هنجارهای مورد قبول جامعه امریکا و با کمک به پیشبرد ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، دموکراسی، برابری زنان، حفظ محیط زیست و مبارزه با فساد و جنایات سازمان‌یافته تامین و

تضمین شود.

موضوع مهم بعدی ناآرامی‌های خاورمیانه عربی بود. با آغاز تحولات سیاسی اجتماعی در خاورمیانه عربی، موضوع جدی‌ای که امریکایی‌ها با آن روبه‌رو بودند، چگونگی مدیریت و کنترل روند جابه‌جایی قدرت و همچنین نوع کنش و نحوه مواجهه با تحولات پیش‌رو بود. دولت اوپاما ناگزیر بود بر اساس الگوی واقعگرایی نتیجه‌محور، گزاره‌هایی همچون بحران اقتصادی، روم کاهش هزینه‌ها به منظور جلب رضایت افکار عمومی و مسئله احتمال به قدرت رسیدن جریان‌های افراط‌گرا در منطقه و تعهد امریکا به پاسداری از حقوق بشر و حمایت از حقوق بشر و بسط دموکراسی مد نظر قرار دهد.

موضوع دیگری که سیاست خارجی امریکا را طی سالهای گذشته به خود درگیر ساخته بود، نحوه مواجهه با قدرت‌های نوظهور آسیایی و روسیه بوده است. چین و روسیه به نقش مهمی در سیستم بین‌المللی بازی می‌کنند و چالش‌های سیاست خارجی معن داری را در برخی مواقع برای امریکا بوجود می‌آورند. هر دو کشور نقش مؤثری بر اساس میزان وسعت، جمعیت، قدرت اقتصادی یا توانایی می‌خود، در فراسوی مرزها دارند. درحالی‌که چین قدرتی در حال ظهور محسوب می‌شود، روسیه به دنبال راه‌هایی برای حفظ نفوذ و ارتقای نقش و جایگاه بین‌المللی خود است.

در شرایط کنونی جهانی، برای دولت امریکا دوره تعامل با قدرت‌های نوظهور از اولویت بالایی برخوردار خواهد بود. هم‌اکنون وضعیت اقتصادی در برخی از کشورهای غربی و مشکل دو کره و تحولات خاورمیانه و ویژه تحولات سوریه و موضوع اتمی ایران، از جمله جدی‌ترین موضوعات هستند که تا حدودی اختلافاتی را در حوزه سیاست خارجی میان امریکا و روسیه و چین بوجود آورده است.* از سوی دیگر، تقویت حضور نظامی امریکا در

* اگرچه در خصوص بحران سوریه، طرفین نه‌اینا راضی به برگزاری نشست‌هایی موسوم به مذاکرات ۱ و ۲ شدند اما تا رسیدن به یک راه حل عملی فاصله زیادی وجود دارد. موضوع

مناطق پیرامونی این کشورها، موجبات بروز حساسیت‌هایی توسط این کشورها شده است.

همین‌طور افزایش نفوذ چین در آسیا و چالش‌های حضور گسترده اقتصادی و دیپلماتیک این کشور در امریکای لاتین و آفریقا برای امریکایی‌ها نگران کننده است. از این‌روست که امریکایی‌ها بر آن شده‌اند برای تقویت حضور در مناطق پیرامونی چین و گسترش همکاری با همسایگان این کشور رصده انتقال ۶۰ درصد ناوگان دریایی خود به این مناطق برآیند. این اقدامات صورت گرفته تا بسیاری از نخبگان چینی بر این باور باشند که امریکا به دنبال برانگیختن نظام سیاسی چین و مهار توان اقتصادی و نظامی این کشور است. به دلیل دگرگونی در توازن نفوذ در حوزه آسیا، همچنان به عنوان یک نیروی جدی در امریکا باقی خواهد ماند. از این‌رو به نظر می‌رسد که تقویت مناسبات با کشورهای آسیای میانه و قفقاز و همین‌طور کشورهای شرق دور و حضور پررنگ‌تر در نشست‌های منطقه‌ای، در دستورکار قراربگیرد. همین‌طور به نظر می‌رسد که امریکا از طریق گسترش میزان همکاری دوجانبه با هم‌پیمانان مانند استرالیا، ژاپن و کره جنوبی و هم‌زمان، اقدام جهت گسترش مناسبات با چین، هند، اندونزی، سنگاپور و تایوان، حضور راهبردی خود در منطقه آسیا را تقویت نماید.

از این‌رو حضور نظامی امریکا در آسیا در دو راستا بااست جمهوری اواما به طرز محسوسی افزایش یافت، تا مانعی برای عرضه اقدام چین در حال قدرت‌گیری ایجاد شود. به خصوص ایجاد پایگاه‌های نظامی نظامی جدید در استرالیا این مسئله را تقویت کرد که امریکا بر آن است تا تقویت حضور نیروهای خود در آب‌های جنوب شرق آسیا در صحنه ژئوپلیتیک این کشورها هم‌پیمان خود در آن منطقه با چین نقشی کلیدی بازی کند. در دوره دوم زمامداری اواما، به نظر می‌رسد که وجود مکانیسم‌های

هسته ای ایران نیز علی‌رغم توافق‌های اولیه طرفین برای یافتن یک راهکار مسالمت آمیز، مسیر طولانی برای حل و فصل نهایی در پیش دارد.

پیچیده در سیاست‌گذاری‌های کاخ سفید و نفوذ لابی‌های متعدد و اعمال نفوذ شرکای امریکا در صحنه بین‌المللی از جمله اسرائیل، انگلیس، فرانسه، آلمان، عربستان سعودی، روسیه و چین موجب کاهش توان دولت اوباما در اعمال سیاست تغییر در ارتباط با بسیاری از مسائل سیاست خارجی از جمله در قبال ایران شده است؛ به نحوی که اینک برخی از محورهای سیاست خارجی دولت اوباما به شکل سیاست‌های دوران بوش خودنمایی می‌کند. از این‌رو مجموعه حاضر بر آن است تا برخی از ابعاد سیاست خارجی امریکا را در دروه اوباما مورد بررسی قرار دهد. بدیهی است که درک درست از ماهیت و سیاست خارجی امریکا در سیاست خارجی امریکا طی دوره یادشده، به فهم ما از سیاست خارجی آن کشور در سال‌های پیش‌رو کمک خواهد نمود.

این مجله در شماره ۷ مقاله در حوزه سیاست خارجی امریکا است. در مقاله نخست تحت عنوان «آینده پژوهی سیاست خاورمیانه‌ای امریکا در دهه ۲۰۱۰»، تلاش شده است تا با غایت به سیاست‌های مرحله‌ای امریکا و فرایندهای موجود به پیش‌بینی سیاست‌گری و اهداف عمومی امریکا در خاورمیانه پرداخته شود. در این مقاله همچنین اشاره شده است که با توجه به چالش‌های متنوعی که سیاست خارجی امریکا از سال ۲۰۰۶ به بعد با آنها روبه‌رو شد، شاهد تغییرات تدریجی در سیاست‌های کاربردی و همچنین زمامداران امریکایی هستیم. فضای سیاست بین‌المللی امریکا نیز در این دوران ماهیت انتقادی داشت. بنابراین زمینه برای ظهور اوباما به کارگیری «سیاست تغییر» در حوزه سیاست خارجی امریکا فراهم شد. محور اصلی سیاست خاورمیانه‌ای امریکا در دوران اوباما مبتنی بر «موازنه بین منطقه‌ای» بوده است. این امر دارای شاخص‌های موازنه تهدید در سیاست بین‌المللی امریکاست. از سوی دیگر، چنین الگویی بیانگر آن است که سیاست منطقه‌ای امریکا در خاورمیانه معطوف به توسعه قدرت نیست، بلکه تلاش دارد تا زمینه‌های مدیریت بحران را فراهم آورد. به هر حال، در این مقاله تلاش شده است تا حد امکان نشانه‌های رویکرد سیاسی و امنیتی امریکا در

خاورمیانه براساس روش‌شناسی آینده‌پژوهی مورد شناسایی و بررسی قرارگیرد.

در مقاله «رویکرد دولت اوباما به جهان اسلام: تغییر یا تداوم»، به کنکاش در خصوص عملکرد دولت اوباما برای ایجاد یک سری تغییرات در سیاست خارجی این کشور در قبال جهان اسلام به منظور بهبود وجهه آمریکا در ممالک اسلامی پرداخته شده است. در این فصل تلاش شده تا به دو پرسش اساسی پاسخ داده شود؛ آیا دوران اوباما، دوران تغییر سیاست و رفتار آمریکا قبال جهان اسلام بوده است؟ و اگر اینچنین بوده، سطح و کیفیت این تغییرات چگونه بوده است؟

در مقاله «تحت عنوان «باراک اوباما و بازسازی قدرت مدیریت آمریکا در قرن ۲۱»، الگویی گفتمانی باراک اوباما در حوزه سیاست خارجی را مورد بحث قرار داد است. نویسنده معتقد است که در خصوص مسائل گوناگون بین‌المللی، ترکیب گفتار نرم و عامه‌پسند از یک سو و رفتار سخت و خشن از سوی دیگر، به صورت یک الگوی مرکب و راهبردی از سال ۲۰۰۸ تاکنون در دستور کار اوباما و تیم راهبرد امنیت ملی و سیاست خارجی و داخلی وی قرار داشته و مورد.

مقاله بعدی تحت عنوان «روابط آمریکا با کشورهای اسلامی در دولت اوباما»، با نگاهی به مناسبات آمریکا با جهان اسلام به بررسی و نوع نگاه طرفین نسبت به یکدیگر پرداخته و بر آن است که به این بخش‌ها پاسخ گوید که مسلمانان از باراک اوباما چه انتظاراتی داشته‌اند و آیا می‌توانسته است این انتظارات را برآورده سازد؟ و اینکه مهم‌ترین چالش‌ها و دلایل آنها در مناسبات آمریکا با کشورهای اسلامی چیستند؟

در مقاله «رویکرد آمریکا به مناقشه اسرائیلی - فلسطینی و چشم‌انداز پیش‌رو» نیز به بررسی رویکرد ایالات متحده در قبال این مناقشه و نقش و میزان اثرگذاری این کشور در تحولات اخیر پرداخته می‌شود. پرسش اصلی این فصل از دو بخش تشکیل شده است: چه عواملی باعث ناکامی دولت

اوباما در پیشبرد مذاکرات صلح شده است؟ و با توجه به این ناکامی، چشم‌انداز پیش‌روی مناقشه اسرائیلی - فلسطینی چیست؟

مقاله «سطوح تعامل امریکا با قدرت‌های آسیایی در دوران اوباما» به سیاست خارجی امریکا در قبال قدرت‌های نوظهور آسیایی در دوران اوباما می‌پردازد. در این فصل، منطق رفتاری دولت اوباما برای کنترل توان بازی قدرت‌های درحال ظهور، مورد بحث و بررسی قرارخواهد گرفت. همچنین راهبرد امریکا در آسیا و اقیانوس آرام برای مواجهه با قدرت‌های نوظهور در بهارچوب سیاست قدرت متوازن مورد بحث قرارگرفته و تفاوت‌های این راهبرد با آنچه که در قالب موازنه قدرت در گذشته دنبال می‌شد، تشریح شده است.

در نهایت به ارزیابی روابط میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا، با توجه به وجوه ارزش‌ها و محدودی منافع مشترک میان دو بلوک قدرت در دو سوی اقیانوس اطلس پرداخته می‌شود. پرسش پاسخ دهد که روابط فراتلانتیکی با چه چالش‌هایی روبروست؟ از این منظر، اولویت‌های متفاوت دوطرف و نیز پیچیدگی‌های ناشی از رویکردهای نوظهور به عرصه سیاست بین‌الملل و تغییر چهارچوب سیاستی مشارکت فراتلانتیکی، از جمله چالش‌های جدید در روابط میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا است.

گروه پژوهشی سیاست خارجی

پژوهشکده تحقیقات استراتژیک